

آثار و فواید خودشناسی از منظر آیات و روایات

عرفانه محمدزاده حقیقی^۱

^۱گروه معارف، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

نویسنده مسئول:

عرفانه محمدزاده حقیقی

چکیده:

یکی از مهمترین مسائلی که بوسیله انبیا ابلاغ شده و حکمای بزرگ نیز آن را بیان کرده اند جمله معروف ای انسان خودت را بشناس است و این سؤال از دیر باز مطرح بوده که اساساً منظور از عبارت «خودت را بشناس» چیست و چه چیزی لازم است در خود بشناسیم که تا به حال نشناخته ایم و از آن غفلت کرده ایم؟ به عبارت دیگر شناخت کدام جنبه وجودی انسان مد نظر بوده که تا این حد از اهمیت و ارزش برخوردار است؟ در این جستار این جنبه وجودی انسان که شناخت و پرورش آن بسیار مورد اهتمام و تأکید ادیان الهی بویژه دین اسلام است معرفی شده و سپس به این مسئله پرداخته شده که شناخت آن چه فایده ای دارد و انسان با پرورش این جنبه به چه جایگاهی دست می یابد؟

کلید واژه: سیر آفاقی . سیر انفسی . خودشناسی . خودسازی

مقدمه

شناخت انسان و جنبه های وجودی او همواره مورد توجه عالمان، فیلسوفان و عارفان بوده است و اینها همواره کوشیده اند با مطالعه و بررسی خود به ابعاد و جنبه های وجودی انسان دست یابند اما در تحلیل هایی که ارائه داده اند به همه ابعاد و جنبه های وجودی انسان پرداخته نشده است تنها جایی که به همه ابعاد و جنبه های وجودی انسان پرداخته شده تعالیم ادیان الهی است. مطابق تعالیم ادیان الهی انسان موجودی دو بعدی است و هستی او در دو ساحت جسم و روح گسترده شده است. جسم او از عالم خاکی و روح او از عالم بالا و نفخه ای از روح خداست و انسان دائماً در حرکت است و این حرکت گاهی به سوی بالاست و گاهی به سوی پایین. اگر انسان به سمت تمایلات حیوانی رود که توجه به بعد مادی است و تابع هوی و هوس باشد منتهی به اسفل السافلین خواهد شد و در مقام پست ترین حیوانات قرار گیرد **أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ** (اعراف/۱۷۹) چنین کسانی در روز قیامت کور دل محسور می شوند **مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمْى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ** (بقره/۱۷۰) اما اگر خود حقیقی و گوهر وجودی اش که همان نفخه الهی است را بشناسد و آن را پرورش دهد حرکت او رو به سوی بالاست و تا جایی بالا می رود که مقامش از فرشته ها برتر می شود. مسلماً این همه تاکید که در روایات بر خودشناسی شده است به منظور توجه دادن انسانها به این گوهر وجودی است که در سیر صعودی تا جایی بالا می رود که به مقام **قَاب قَوْسین** او ادنی مشرف می شود چنانکه قرآن می فرماید **ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسینِ أَوْ أَدْنَى فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى**. (نجم/۸-۱۰) در نوشتار حاضر فواید شناخت و پرورش این گوهر وجودی و مشکلاتی که عدم شناخت و پرورش آن به دنبال دارد مورد بررسی قرار گرفته است.

تعریف خودشناسی: خودشناسی به معنی این است که انسان بداند خاکی محض نیست و علاوه بر این بعد خاکی پرتوی از روح الهی در او هست که همان نفخه الهی است و با پرورش آن می تواند بر فرشتگان پیشی بگیرد مسلماً اینهمه تاکید که در روایات بر خودشناسی شده است به منظور توجه دادن انسانها به این گوهر وجودی است تا جایگاه خود را بشناسد و خود حقیقی را با خود مجازی اشتباه نگیرد. خود حقیقی که همان نفخه الهی است در سیر صعودی خود به مقام نفس مطمئنه راضیه و مرضیه می رسد و تا جایی بالا می رود که به مقام **قَاب قَوْسین** او ادنی مشرف می شود چنانکه قرآن می فرماید **ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسینِ أَوْ أَدْنَى فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى**. (نجم/۸-۱۰)

فایده خودشناسی:

چه آثاری بر خودشناسی مترتب است که آن را مطلوب می سازد به عبارت دیگر خودشناسی برای چیست؟ برای خودشناسی آثار مختلفی بیان شده که عبارتند از:

۱. خودشناسی مقدمه اجتناب ناپذیر خداشناسی است. در تعالیم دینی معرفت نفس بعنوان برترین معرفت و دریچه ای به سوی درک معرفت ربوبی معرفی شده است. نبی مکرم اسلام نیز در روایاتی ضمن تاکید بر معرفت نفس و آثار آن، خودشناسی را راه خداشناسی دانسته و فرموده اند: **من عرف نفسه فقد عرف ربه** هر کس نفس خویش را شناخت، خدای خویش را شناخت (بحارالانوار، ج ۲: ۳۲ و شرح غررالحکم و دررالحکم، ج ۵: ۱۹۴) امام علی (ع) همچنین درباره رابطه خودشناسی و خداشناسی چنین می فرماید **عجبت لمن یجهل نفسه کیف یعرف ربه** در شگفتم چگونه خدای خود را می شناسد کسی که خود را نمی شناسد. با توجه به این روایات هرچه انسان در درون خود بهتر و عمیقتر بنگرد شناخت او نسبت به افریدگار خویش بهتر و کاملتر می گردد.

۲. خودشناسی مقدمه اجتناب ناپذیر جهان شناسی است. به وسیله خودشناسی شناخت حقیقی جهان و پدیده های عالم ممکن می گردد. چرا که نفس انسان مجموعه تمام موجودات است و هر کس آن را بشناسد گویی تمام موجودات را شناخته است. نسفی شناخت عالم را موقوف به شناخت انسان می داند لذا می گوید: تو اول و آخر خود را بدان و ظاهر و باطن خود را بشناس تا اول و آخر عالم کبیر را بدانی. (زبدۀ الحقایق: ۴۸) اما هر کس خود را نشناسد از همه چیز بی خبر است. روایتی در این مورد وجود دارد **من جهل نفسه کان بغیره** **اجهل** کسی که به وجود خود جاهل باشد به غیر خودش جاهلتر است. وقتی کسی نزدیکترین حقیقت به خود را که خود اوست نمی بیند

چگونه می توان از او انتظار داشت که حقایق دیگر هستی را ادراک کند؛ پس اگر خواستار شناخت حقایق جهان هستیم باید نخست خود را بشناسیم.

۳. خودشناسی پیش در آمد و اولین مرحله ورود به خودسازی است. انسان با مراجعه به خویش مجموعه‌ای از گرایش ها و توانایی ها را در خود می‌یابد این گرایش ها بعضی مقتضای حیوانیت انسان است مانند میل به غذا، نکاح و امنیت جانی که در انسان و حیوان مشترک است و بعضی ربطی به جنبه حیوانی او ندارد مانند گرایش به حقیقت، خیر، زیبایی و پرستش که امیال اختصاصی انسان هستند. متناسب با این استعدادها و گرایشها این توانایی در انسان هست که تا بی‌نهایت رشد و تعالی یابد و یا تا بی‌نهایت سقوط و نزول کند. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: **لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم، ثم رددناه اسفل سافلین**. (تین/۴ و ۵) ما انسان را به بهترین صورت آفریدیم و سپس به پست‌ترین رتبه برگرداندیم. منظور از خودشناسی که مقدمه خودسازی است دو چیز است: یکی اینکه ارزشهای وجودی خویش را بشناسد و به توانایی وسیعی که خدا در نهاد او برای رسیدن به کمال قرار داده آگاه باشد؛ زیرا هدف خودسازی شکوفا شدن این استعدادهاست و دیگر اینکه به ضعف خود آگاهی کامل داشته باشد؛ زیرا هدف خودسازی مبارزه با ضعف است و اینکه خود را ارزیابی و تحلیل کند و خصلتهای ناروا را از خود دور سازد. موانعی بر سر خودسازی وجود دارند که عبارتند از:

الف) اکثر انسانها بیشتر از آنکه به درون خود و تواناییهای خود توجه کنند توجهشان معطوف به بیرون از خویش است و این غفلت آنها را تا حد حیوانیت تنزل می دهد مانند حیوان که فقط دنبال سیر کردن شکم خود و تامین نیازهای غریزی اش هست او نیز تنها به شکم و تامین لذتهای مادی خواهد اندیشید در حالیکه خود این لذات مقصود بالذات نبوده، بلکه برای رسانیدن انسان به مسیر تعالی فردی - اجتماعی به عنوان ابزار عمل می‌کنند. (به سوی خودسازی : ۲۳) بنابراین اگر انسان به خود نپردازد و جنبه های انسانی و الهی روح خود را نادیده بگیرد، جسمانیت او غلبه پیدا می کند و تمام هم و غم انسانی که می توانسته به جایگاه رفیع کمال، راه یابد، دست یافتن به خوراک و پوشاک و شهوت و دنیا و زینتهای آن می شود.

ب) اغلب انسانها خود را از عیب و نقص میرا می دانند و با این توجیه راه درک واقعیات را بر روی خود مسدود می کنند و در همان قدم اول باب اصلاح خود را می بندند یا روح آنها با نقص خو گرفته و حساسیتی در برابر نقص ندارد و نیازی به اصلاح خود احساس نمی کنند.

ج) برخلاف اکثریت که توجهی به نقص خود ندارند عده ای هم از روی علاقه و ایمان به دنبال شناخت ضعفهای خود می روند و بعد از آشنا شدن با انواع ضعفهای روحی و اخلاقی خود چون بعد از مدتی مراقبت احساس موفقیت کامل در ترک این صفات منفی نمی کنند به تصور اینکه در امر خودسازی با شکست مواجه شده اند مایوس می شوند و از ادامه مسیر باز می مانند.

د) تزکیه و تهذیب بدون تحمل رنج و زحمت امکانپذیر نیست و نمی توان بدون مدتها مبارزه پیگیر به خودسازی رسید. بنابراین کسی که حوصله تحمل این رنج را ندارد آن را جدی نمی گیرد و سعی می کند خود را از توجه به نقصهای خود بازدارد.

۴. خودشناسی نقش مهمی در تحقق کمال انسان دارد. انسان هنگامی که خود را بشناسد به استعداد بی نهایت خود پی می برد و جایگاه خویش را در دار هستی پیدا می کند و حاضر می شود برای رسیدن به آنچه می تواند باشد از خواسته های نفسانی بگذرد و ریاضت و سختی را تحمل کند. ائمه معصومین علیهم السلام می‌دانند هر فردی با شناخت خود و غایت هستی خود بیش از پیش خواستار سلوک به سوی کمال خواهد شد، به همین علت انسانها را به خودشناسی ترغیب می‌کنند تا آنان را شیفته حرکت کمالی سازند. در روایتی از پیامبر اکرم این مطلب به تأیید می رسد: **کلما زاد علم الرجل زاد عنايته بنفسه و بذل فی ریاضتها و صلاحها جهده** (مستدرک الوسائل . ج ۱: ۳۲۳) هر قدر بر دانش شخص افزوده شود، اهتمامش به خودش بیشتر می شود و در راه تربیت و اصلاح خویش بیشتر می کوشد.

۵. یکی دیگر از فواید خودشناسی کرامت نفس است آن خودی که قرآن توصیه می کند آن را بشناسیم خود شناسنامه ای نیست بلکه همان چیزی است که "روح الهی" نامیده می‌شود و با شناختن آن "خود"، است که انسان احساس شرافت و کرامت و تعالی می‌کند و خویشتن را از تن دادن به پستی ها برتر می‌شمارد و خود را در ردیف حیوانات قرار نمی دهد. امام علی علیه السلام: **يَنْبَغِي لِمَنْ عَلِمَ شَرَفَ نَفْسِهِ أَنْ يُزْهِهَ عَنْ دَنَاءَةِ الدُّنْيَا**. کسی که به شرافت نفس خود پی برده باشد، سزاوار است که آن را از پستی دنیا منزّه دارد. (غرر الحکم : ۱۰۹۳۰) در نهج البلاغه در کلمات قصار از همان بزرگوار آمده است **من کرمتم نفسه هانت علیه شهواته** کسی که در

سایه خودشناسی برای خود کرامت و شخصیت قائل است شهوات در نظرش بی مقدار خواهد بود. حقیقت این است که انسان با معرفت درست نسبت به ذات خویش آن را گوهر گرانبها و در ثمینی می یابد که برای حفظ آن از هیچ تلاش و مجاهدتی دریغ نمی ورزد.

۶. هر کس نفس خود را بشناسد دشمن خود را که در آن پنهان است خواهد شناخت همان دشمن که پیامبر در مورد آن می فرماید **اعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک** دشمن ترین دشمن تو نفس توست آن نفسی که میان دو پهلوی تو قرار دارد. در حدیث دیگری از امام علی (ع) آمده که **من عرف نفسه جاهدها و من جهل نفسه اهملها** (نهج البلاغه . کلمه ۴۰۹) کسی که خود را بشناسد به جهاد با نفس می پردازد و کسی که خود را نشناسد آن را رها می کند. مطابق این حدیث پایه اصلی جهاد با نفس که جهاد اکبر نامیده می شود خودشناسی است و در سایه شناخت خود است که انسان خود را از زنجیر اسارت هواهای نفسانی رها می سازد و به رستگاری می رسد. چنانکه امام علی (ع) می فرماید: **نال الفوز الاکبر من ظفر بمعرفة النفس** کسی که به معرفت نفس دست یابد به بزرگترین رستگاری نائل شده است. در این زمینه روایت زیبایی از حضرت رسول در در بحار الانوار آمده که: **دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَجُلٌ اسْمُهُ مُجَاشِعٌ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، كَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ الْحَقِّ ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : مَعْرِفَةُ النَّفْسِ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى مُوَافَقَةِ الْحَقِّ ؟ قَالَ : مُخَالَفَةُ النَّفْسِ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى رِضَا الْحَقِّ ؟ قَالَ : سَخَطُ النَّفْسِ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى وَصْلِ الْحَقِّ ؟ قَالَ : هَجْرُ النَّفْسِ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى طَاعَةِ الْحَقِّ ؟ قَالَ : عَصْيَانُ النَّفْسِ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى ذِكْرِ الْحَقِّ ؟ قَالَ : نِسْيَانُ النَّفْسِ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى قُرْبِ الْحَقِّ ؟ قَالَ : التَّبَاعُدُ مِنَ النَّفْسِ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى أُنْسِ الْحَقِّ ؟ قَالَ : الْوَحْشَةُ مِنَ النَّفْسِ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى ذَلِكَ ؟ قَالَ : الْاسْتِعَانَةُ بِالْحَقِّ عَلَى النَّفْسِ .** مردی به نام مجاشع حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! راه شناخت حق چیست؟ حضرت فرمود: شناخت نفس. عرض کرد: ای رسول خدا! راه سازگاری با حق چگونه است؟ فرمود: ناسازگاری با نفس. عرض کرد: ای رسول خدا! راه رسیدن به خشنودی حق چیست؟ فرمود: ناخشنودی نفس. عرض کرد: ای رسول خدا! راه رسیدن به حق چیست؟ فرمود: رها کردن نفس. عرض کرد: ای رسول خدا! راه دست یافتن به طاعت خدا چگونه است؟ فرمود: نافرمانی نفس. عرض کرد: ای رسول خدا! راه رسیدن به یاد حق چیست؟ فرمود: از یاد بردن نفس. عرض کرد: ای رسول خدا! راه نزدیک شدن به حق چیست؟ فرمود: دور شدن از نفس. عرض کرد: ای رسول خدا! راه انس گرفتن با حق چگونه است؟ فرمود: دوری گزیدن از نفس. عرض کرد: ای رسول خدا! راه دوری گزیدن از نفس چیست؟ فرمود: کمک جستن از حق، در برابر نفس. بحار الأنوار : ۲۳/۷۲/۷۰

۷. از نتایج قطعی خودشناسی، عدم ارتکاب به معصیت می باشد. امام علی (ع) در این زمینه می فرماید: **من کرمته علیه نفسه لم ینها بالمعصیه** (غررالحکم و دررالکلم : ۶۷۷) کسی که نفس خود را گرامی و شریف دارد، آن را به معصیت و گناه، خوار و پست نسازد. اگر انسان شناسایی درستی از خود و ابزاری که حق تعالی در وجود وی قرار داده تا در مسیر انسانیت گام بردارد نداشته باشد و نتواند از مرتبه حیوانی پا را فراتر نهد در مقام عمل، شهوت و غضب بر او غلبه می کند و در شهوت و معاصی فرو می رود.

۸. بدون شناخت انسان مساله نهایی تربیت به حل و فصل نهایی نمی رسد یعنی تا انسان شناخته نشود نمی توان یک نظام تربیتی صحیح برای رشد انسان عرضه کرد. ناتوانی بسیاری از مکاتب تربیتی غرب ناشی از عدم شناخت صحیح انسان است.

۹. برای ساختن فرهنگ و تمدن، شناخت انسان ضروری است. اگر ملتی و امتی تصمیم بگیرند تمدنی انسانی بنا نهند که به تعالی انسان کمک کند چاره ای جز این ندارند که ابتدا هویت حقیقی انسان را مورد شناسایی و تعریف قرار دهند. مشکل دنیای امروز این است که قبل از شناخت جهان با عظمت درون به شناخت جهان بیرون پرداخت و تمدن با عظمتی را بنا نهاد ولی این تمدن با هویت حقیقی انسان هماهنگی لازم را ندارد. تمام بی هویتی انسان امروز نتیجه همین انحرافی است که در شناخت پیدا کرد.

۱۰. وارسته و رها بودن از هر آنچه رنگ تعلق و وابستگی دارد، یکی از نتایج و درس های خودشناسی است. اگر انسان به سیر زندگی خود توجه داشته باشد می فهمد که نباید از جهان انتظار وفاداری و از عمر تمنای ماندگاری داشت و همچنین نباید آنقدر غرق در دلبستگی ها و وابستگی های زندگی شد که از گوهر حقیقی خویش و فرصتی که برای هستی انسان داده شده دچار غفلت گردید. امام علی علیه السلام می فرماید: **مَنْ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ لَمْ يَهْنُهَا بِالْفَانِيَاتِ**. کسی که ارزش خود را بشناسد، خویشتن را با امور فناپذیر خوار نگرداند. (غرر الحکم : ۸۶۲۸)

اما سوالی که در اینجا به ذهن می رسد این است که چرا اکثریت انسانها به خودشناسی اهتمام نمی ورزند؟

با آنکه شوق سعادت‌مندی در تمام افراد موجود است اما دیو نفس انسان، او را فریب داده و لذتهای قوای حیوانی را در نظر وی جلوه می‌دهد و همین باعث می‌شود که هر کسی سعادت و خوشبختی خود را در چیزی تصور کند؛ یکی سعادت و خوشبختی را در جمع نمودن مال تشخیص داده و در طلب آن کوشش می‌کند و دیگری در شهوت و ریاست و جماعتی چنان خواب غفلت چشم و گوش آنها را پر کرده که گمان می‌کنند خوشبختی و سعادت‌مندی فقط در خوردن غذای لذیذ و خوابیدن راحت در رختخواب نرم و پوشیدن لباس فاخر می‌باشد. خلاصه هر کسی بهای زندگی خود را در چیزی تصور نموده و همت خود را صرف آن می‌کند و آن گوهرهای گرانبهایی که خداوند متعال در طبیعت بشر به ودیعه نهاده است را به بازیچه از دست داده و خود و خدای خود را فراموش نموده است. «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ أَنْفُسَهُمْ» (حشر/ ۱۹)

۵. کسی که خود را نمی‌شناسد هیچ چیز دیگری را نمی‌تواند بشناسد و از جمله اینکه قادر نیست مسیر درست رسیدن به مقصد و کمال غایی خویش را نیز بشناسد و از راه رستگاری دور می‌شود. این دوری هم می‌تواند به سبب نشناختن مقصد و یا مسیر رستگاری باشد و هم می‌تواند ناشی از لغزش عملی در اثر نداشتن انگیزه حرکت در مسیر رستگاری و یا داشتن انگیزه‌های انحرافی باشد. به هر حال گمراهی از مسیر درست، به هر دلیل می‌تواند ناشی از جهل به خویشستن باشد امام علی (ع) فرمودند: **مَنْ لَمْ يَعْرِفْ نَفْسَهُ بَعْدَ عَنِ سَبِيلِ النِّجَاهِ وَ**

خطب فی الظلال والجهالات (غررالحکم . ح ۹۰۳۴) کسی که خویشتن را شناسد از راه رستگاری دور می‌شود و به گمراهی و نادانی‌ها مبتلا می‌شود. در حدیثی از امام علی (ع) نقل شده **نال الفوز الاکبر من ظفر بمعرفه النفس** (غررالحکم . ج ۶ : ۱۷۲ . ح ۹۹۶۵) کسی که خود را بشناسد به سعادت و رستگاری بزرگ نائل شده است

نتیجه

علما، فیلسوفان و عرفا همواره به دنبال شناخت انسان و جنبه های وجودی او بوده و به این نتیجه رسیده اند که در شناخت انسان با موجود بسیار پیچیده ای مواجهند که با تلاشهای علمی و عملی متداول نمی توان به آسانی به حقیقت آن پی برد اما خدای سبحان که انسان را خلق کرده تمام جنبه های وجودی انسان را به وسیله انبیا و اولیا و فرشتگان شرح کرده و خود حقیقی وی را به او شناسانده است. این خود حقیقی همان نفخه الهی است که انسان در سایه شناخت و پرورش آن می تواند به مقامی که شایسته اوست برسد و از این رهگذر به سعادت حقیقی برسد.

منابع

- آمدی . عبدالواحد . ۱۳۶۶ ه.ش . **غررالحکم و دررالکلم** . قم . دفتر تبلیغات
مجلسی، محمدباقر ، ۱۴۰۴ ه ق . **بحارالانوار** . مؤسسه الوفا . بیروت
مصباح یزدی . محمد تقی . **به سوی خودسازی** . مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
نسفی . ۱۳۸۱ . **زبدہ الحقایق** . تهران . انتشارات طهوری
نصرت . امین . **بی تا . سیر و سلوک** . اصفهان . چاپخانه فردوسی
نوری طبرسی . میرزا حسین . **مستدرک الوسائل** . قم . مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث